۱. ارتباط/مراقبت

نرمشِ ذهن! سخت کارکردن، یا هوشمندانه؟!

اگر ما از مغزمان پرسش کنیم و آن را به چالش بکشیم، دچار توهمِ دانائی و شیوه‌های تکراری نمی‌شویم!

در چه عصری؟ باچه نسلی؟ هستیم؟ و آینده!؟

پرسش؟ بررسیِ رفتار کودک، یا **شخصیت** و **خود** او؟ **علتِ** رفتار یا **هدفِ** رفتار؟ **وظیفهٔ مراقبتی ما؟**

شروع از پیشگیری! گام اول؟ **ارتباط** و **مراقبتِ** از آن، برای شکوفایی و باروریِ ارتباطِ مؤثر و مثبت!

مراقبت، به **چه** نیازدارد؟ به**شناختِ** کودکِ این **عصر** و این **نسل**! آن هم علاوه بر **مطالعه و تفکر، از زبانِ خودش!**

و از چه؟ مراقبت از **رابطه‌وارتباط!** وتلاش برای **پایداری** آن! **و چگونه؟**

- با تلاش برای **درکِ هدفِ‌رفتارِ کودک!** مثلا اشتیاقِ کودک به **استقلال**! دربرابرِ مطیع بودنِ صِرف!
- به رسمیت **شناختنِ خودش(پذیرش/احترام) و نیازهایش! باطراحی‌وساختِ زمینهٔ ارضای نیازهایِ بنیادین؛ عشق** و احساسِ**تعلق، حسِ پیشرفت‌وخودشکوفائی(قدرت)،تفریح، آزادیِ انتخاب، بقا** و **امنیت!** و تاکید بر **پندارهٔ مثبت/عزت نفس؛خودکارآمدی،احساس ارزشمندی،حس مهم بودن، با دادنِ فرصتِ نظرخواهی، برای دیده** و **شنیده شدن** و...
- **رعایتِ رفتارهای‌سازندهٔ‌روابط‌انسانی**؛گوش‌سپردن/ حمایت/شوق‌آوری/ احترام/ اعتماد/ پذیرش/ گفت وگو(مذاکره)؛ با او، تا شخصیتِ وی خدشه‌دارنشودوهمواره‌احترام‌واعتمادبرقرارباشدکه **ارتباطِ‌مؤثروهوشمندانه** به‌دنبالِ‌برقراریِ‌اعتماد است و **اعتماد** را رفتارهایِ دوستانه، منصفانه، قاطعانه. لیک قاطعیتی عاشقانه! می‌سازد.

و برای‌چه؟ برای **یادگیریِ‌درست‌وعمیقِ‌مادام‌العمر!** این‌گونه، ***آن چه امروز،*** کودک با مداخلهٔ والدین/معلم و... **انجام‌می‌دهد، فردا می‌تواند خود به‌تنهائی انجامش دهد.** *همانندِ دوچرخه سواری، رانندگی، آشپزی، شنا،خواندن،نوشتن و...*

نکتـــــه‌ها!

- اگرکودکی در مفید بودنش درگروه و اجتماعی(**خانواده،مدرسه و...**) که درآن زندگی می‌کند شک نداشته باشد. خودش‌را موظف به‌همکاری‌می‌کند. و جز این، با احساسِ دلسردی! و با **ارزیابیِ‌غلطِ موقعیت**ْ می‌کوشد بارفتارهایی منجر به‌تعارضِ بادیگران به‌ویژه بابزرگ‌سالان...! جایگاهش‌رابیابد. همچون،**مقاومت**دربرابر**یادگیری**ومانع‌پیشرفتِ‌خودودیگران‌شدن!
- وهمچنین‌اگر**نیازهایش‌ارضانشود!** و**ماهدفِ‌رفتارِ**او(همانندِدیده‌وشنیده‌شدن‌بانظرخواهی‌ازاوو...)را**درک**نکنیم و تازه‌ازسوی ما **رفتارهایِ‌مخربِ‌روابط‌انسانی‌ببینند**چون؛عیب‌جویی(انتقاد)/سرزنش/شکوه‌وگلایه/نق‌وغرغر/تهدید/تنبیه/برچسب‌زدن/ بی‌اعتنایی/به‌ویژه **مقایسه‌ورقابت! وی** با **ناکامی**! مواجه‌شده‌واین‌گونه،چه‌بسا ما ناآگاهانه**رفتارِ‌معطوف‌به‌هدف‌های‌اشتباهِ** اورا تقویت‌کرده‌ایم. **چون؛ جلب‌توجه‌بیجاوافراطی، قدرت‌طلبی/انتقامجویی، خودتخریبگری، تظاهربه‌بی‌کفایتی‌و تسلیم شدن**(درماندگی)، **بی‌اشتهائیِ روانی،حسِ افسردگی،دلسردی و...!**
- وازعواملِ‌مهم‌تشکیلِ‌**هویت**، نظروبرداشتْ ازخود و توانمندی‌های‌مان‌است: **عزت‌نفس!** که **پدرومادر** و درادامه، **معلم** و... در تشکیل و نهادینه‌شدن آن‌نقش‌مهمی‌دارند! یکی از بزرگترین مشکلات فرزندان‌از**اوانِ‌کودکی،نوجوانی‌وجوانی!** جدی نگرفتن و نپذیرفتنِ**استقلال**ِایشانْ توسط آنان است. درخانه برای پختِ غذا،مسافرت، و در مدرسه برای طراحی یادگیری و... سخن و تصمیم اورا جدی‌نمی‌گیرند و او را بچه می‌دانند و... **پس زندگی را کجا تجربه‌کند و یادبگیرد؟**

بگذاریم‌خودش‌باپیامدِرفتارش! ولواشتباه‌رویارو شود.کشف‌وتجربه‌وتأمل‌کندتایادگیری! **تجربهٔ‌بیشتر! درآینده‌امیدوارتر.** با **ذهنیت رشد**،یعنی‌فردبه‌این‌نقطهٔ‌یقین‌می‌رسدکه**توانایی‌هایش‌می‌تواندباتلاش‌وسخت‌کوشیْ بیشترشده،واحتمالِ‌پیشرفت‌اش‌نیزبه‌میزانِ بسیار زیادی‌افزایش‌پیدامی‌کند. زمینه‌فراهم‌کنیم! تشویق‌این‌است!**

نگرش! بچه‌ها بخشی از راه‌حل‌اند یا مشکل؟! پس، گذشت، حمایت، مشاوره(**نظرخواهی،گفت و گو**)، ودرصورت نیازْ **مداخلهٔ موثر!**

نمونهٔ کاربُردی برای رابطهٔ تفاهمی/تعاملیِ پایدار به هنگامِ رفتارِ نامتعارفِ بچه‌ها! با خودکنترلی می‌توان گفت:(راه‌حل)

- ***من الان خیلی عصبانی شدم. میشه ساعت بعد صحبت کنیم؟*** (مدیریتِ هوش هیجانی بالا)
- ***ما باهم هستیم و کنارِ هم حلش می‌کنیم*** (نگرش هم‌تیمی و همکاری/باهم وکنارهم‌بودن!)
- ***شاید بهتر بود فلان کار رو نمی‌کردم***(مسئولیت‌پذیری)
- ***تو که میدونی من خیلی دوستْ دارم، اما فلان مسئله آزارم میده*** (اطمینان‌دادن: امنیت! در زمان اختلافِ نظر)
- ***نهایتِ تلاشم رو می‌کنم که خودم رو جای تو بذارم و درکتْ کنم*** (همدلی) و...

با محبت، شاید گرهی بگشائیم... با خشونت هرگز!

تا نظرشمابزرگواران ادامه باهم...